

1365, 2, 10

پس از عرض سلام و احوال بخوش سلامتی شما را از درگاه  
خداوند متعال خواستارم و امیدوارم که حالتان بسیار  
خوب باشد و با این نامه حیرانه خوشحال بشوید که خود شما هم  
شادابی شما اگر زور ما است

عمه جان این عید سعید باستانی را به شما و خانواده عزیزتان تبریک عرضی  
می کنم و امیدوارم که با خوبی و شادابی و با سلامتی کامل این سال جوید را به  
پایان ببرید. عمه جان همه اکنون که این نامه را می نویسم در ساعت  
۱۰ (۱۰ دقیقه) بعد از ظهر چهارشنبه دهم اردیبهشت ماه است که  
کتاب پرمختوی شما در کنار من حکایت از آنگونه هایی می کند که شما  
به اصفهان آمده بودید و این شعر مناسب با حال دهنوا اینها دیدم  
که در لابه لای سرود هایتان نمایان است که قطعه از آن را مجدداً  
باز گوئی کنم.

چیز از زیر سنگ جویشان شود	دل زیاد بهار زنده شود
رود نیلوفری خویشان شد	وز خدای چو دکان سحر
پس که بشکفته زاله در کعبه سار	آدمی زاده چون پرنده شود
دامن کوه ها چو افغان شد	یک گناید بر آسمان ها چو

خدا به عمه جان دور است است که فوسنگها فاصله ما بین ما است اولی

بقول جو رکابی ما "دل بدل راہ دارد" کہ باعث می شود کہ در این  
موقع از شب کہ اکثر از تلاش روزمویہ با استراحت پر دافہ اند قبیل  
این دیوار استراحت و فاصلہ را فود کرده و درخت دوستی را بسوی بلند و سیر  
انوار فلکدار رکنی.

عم جان یاد تو ہمہ در افکار ما و نام تو ہمہ بولب ہا ما دست یابندہ  
باشی.

عم جان سلام گویم من و خانوادہ ام را بہ جویدی خود (بیرون و مہر دار) و  
ہمہنین خانوادہ عزیز شانی و پدر خانوادہ نینو جوستان.

در طمان بہ عین می رسد نہ کہ تو کس کو مہولو از راہ دور سلام می رسد و خوشی  
و پدر و مادر و خوشی و زنان ہمگی سلام می رسانندہ

خواہا مصلحتی جان بہ امید دیوار

دو تارہ عینہ کاغذی  
۱۳۹۵  
AL

از نامہ کہ از جانب من می رسد ببین

از جانب من بیخود روی